

به همین ترتیب یک خریدار انحصاری فاقد تابع تقاضا برای نهاده است او نیز یک نقطه بر روی تابع عرضه فروشنده را انتخاب می‌کند که سود خود را به حداکثر می‌رساند. منحنی تقاضا بیانگر حداکثر قیمتی که تقاضا کننده مایل و قادر است بابت مقدار مشخصی از محصول بپردازد. همچنین منحنی تقاضا نشان می‌دهد که تقاضا کننده در قیمت‌های موجود بازار چه مقدار قادر و مایل به خرید محصول است (ابونوری، ۱۳۸۸، ص. ۳۹). اما در حالتی که انحصار خرید داریم، تنها یک تقاضاکننده برای محصول یا نهاده وجود دارد. لذا او دیگر مجبور نیست که در قیمت‌های موجود بازار مقدار تقاضایش را تعیین کند، بلکه وی دارای قدرت قیمت گذاری است و در واقع قیمت بازار را خودش می‌تواند تعیین کند. بنابراین انحصارگر خرید تا مقداری خریداری می‌کند که سود یا منفعتش حداکثر شود و قیمت بازار را طوری تعیین خواهد کرد که حداقل قیمتی باشد که عرضه کننده حاضر است، در آن قیمت عرضه کند. در واقع قیمت را بر روی منحنی عرضه‌ی عرضه کننده تعیین خواهد کرد. در نتیجه انحصارگر خرید منحنی تقاضا نخواهد داشت. در بازار انحصار دوطرفه، برای خریدار این امکان وجود ندارد که همانند خریدار انحصاری عمل کند و همزمان فروشنده نیز بتواند به مثابه یک فروشنده انحصاری عمل کند. فروشنده نمی‌تواند براساس تابع عرضه‌ای که وجود ندارد عمل کند، چنانچه خریدار نیز نمی‌تواند براساس تابع تقاضایی که وجود ندارد بهره برداری کند (شاکری، ۱۳۸۶، ص. ۱۵۸). بطور کلی سه پیامد در انحصار دوطرفه امکان پذیر است: (۱) یکی از دو بنگاه در بازار بر دیگری تسلط پیدا کند و وی را ملزم به قبول تصمیمات خود در مورد قیمت و مقدار کند. در این صورت اگر انحصارگر خرید بر انحصارگر فروش غالب شود؛ بازار تبدیل به بازار انحصار خرید خواهد شد. ولی اگر انحصارگر فروش بر انحصارگر خرید غالب شود؛ بازار به بازار انحصار فروش تبدیل خواهد شد. (۲) اگر خریدار و فروشنده با یکدیگر همکاری کنند و

Bilateral Monopoly

انحصار دوطرفه وضعیتی از بازار محصول یا نهاده است که یک بنگاه تنها فروشنده محصول یا نهاده می‌باشد و تنها یک خریدار برای محصول و یا نهاده وجود دارد (قره‌باغیان و پژوهیان، ۱۳۹۲، ص. ۲۹۲). در واقع انحصار دوطرفه مربوط به یک معامله است که دو طرف آن انحصارگر هستند. این وضعیت متفاوت از حالتی است که یک فرد یا بنگاه یک محصول یا نهاده‌ای را از بازاری به صورت انحصاری خریداری می‌کند و همان فرد یا بنگاه، محصول را به صورت انحصاری به فروش می‌رساند. قابل توجه است که به حالتی که یک فرد یا بنگاه هم انحصارگر خرید و هم انحصارگر فروش باشد؛ انحصار «دو جانبه» گویند یعنی یک فرد یا بنگاه در هر دو جانب خرید و فروش انحصارگر است. اما انحصار دوطرفه مربوط به وضعیتی است که هر دو طرف معامله انحصارگر هستند.

یک تولید (عرضه) کننده انحصاری فاقد یک تابع عرضه است که قیمت و محصول را به یکدیگر ارتباط دهد. او یک نقطه بر روی تابع تقاضای خریدار را انتخاب می‌کند که سود او را به حداکثر می‌رساند. چون منحنی عرضه بیانگر حداقل قیمتی است که عرضه کننده حاضر و مایل به عرضه است و همچنین منحنی عرضه نشان می‌دهد که در قیمت‌های موجود بازار چه مقدار عرضه کننده قادر و مایل به عرضه محصول خود می‌باشد. اما از آنجایی که انحصارگر فروش تنها عرضه کننده در بازار است، لذا دارای قدرت قیمت‌گذاری می‌باشد و قیمت پذیر نیست. بنابراین انحصارگر سعی خواهد کرد مقداری تولید کند که با توجه تقاضای بازار، سودش را حداکثر کند. قیمت بازار را نیز بعد از تعیین مقدار عرضه‌ای که سودش را حداکثر می‌کند، با لحاظ تقاضای بازار تعیین خواهد کرد. بنابراین انحصارگر فروش به ازای هر تابع تقاضا تنها یک نقطه‌ی عرضه خواهد داشت و نمی‌توان برای انحصارگر فروش منحنی عرضه

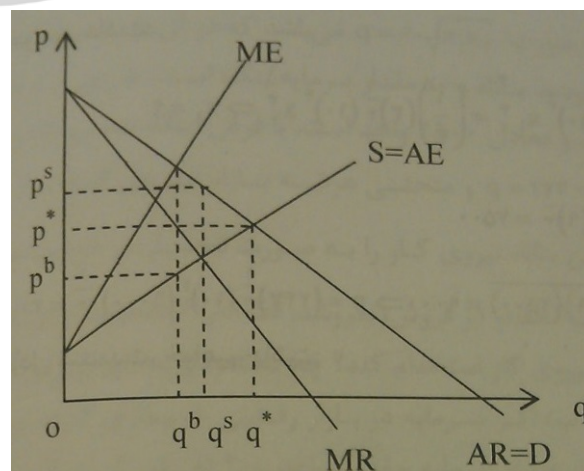
قرار داده و مقدار qs را تولید کرده و قیمت را بر روی منحنی تقاضای خود برابر ps تعیین می‌کند. اگر قدرت انحصاری انحصارگر خرید حاکم باشد و فروشنده را مجبور کند که قیمتی که خودش پیشنهاد می‌دهد را بپذیرد؛ انحصارگر خرید مقدار خرید را با توجه به منحنی تقاضای بازار و منحنی مخارج نهایی خود (ME) برابر qb تعیین کرده و قیمت را نیز بر روی منحنی عرضه (s) برابر با pb تعیین خواهد نمود (فرجی دیزجی، ۱۳۸۹، ص. ۴۸۴).

اگر دو انحصارگر خرید و فروش به جای مقابله با یکدیگر، به توافق رسیده و سود مشترکشان را به جای سود فردی به حداکثر برسانند، در این صورت مقدار و قیمت تعادلی به ترتیب برابر با q^* و p^* خواهند بود. قیمت و مقدار تعادلی بازار با قیمت و مقدار تعادلی بازار رقابت کامل برابر خواهد شد. در نتیجه هزینه نهایی و منفعت نهایی محصول با همدیگر برابر شده و تخصیص بهینه رخ خواهد داد. بنابراین در این حالت زیان اجتماعی ناشی از انحصار از بین رفته و بهینه پارتو برقرار خواهد شد.

انحصار دو طرفه در بازار نهاد نیز مانند بازار کالا زمانی حادث می‌شود که یک انحصارگر بصورت انحصاری، نهاد معینی را به فروش رسانده و انحصارگر دیگری نیز به صورت انحصاری نهاد را خریداری نماید. در این بازار نیز می‌توان سه وضعیت را متصور شد: (۱) یکی از انحصارگران خرید و فروش بر دیگری تسلط پیدا کند و وی را مجبور به قبول قیمت پیشنهادی خودش نماید که در این صورت بازار نهاد یا به بازار انحصار خرید نهاد و یا به بازار انحصار فروش نهاد تبدیل خواهد شد. (۲) هر دو طرف انحصاری در بازار نهاد توافق کنند که سود مشترک همدیگر را به جای سود خود، حداکثر نمایند. در این حالت بازار نهاد به بازار رقابت کامل تبدیل خواهد شد. (۳) هیچ‌گونه توافقی صورت نگیرد و بازار از همدیگر پاشیده گردد. با توجه به نمودار زیر، در حالت اول؛ اگر انحصارگر

به راه حلی مثل راه حل نش دست پیدا کنند. یعنی هر دو طرف معامله قبول کنند که سود مجموعشان را حداکثر کنند. (۳) هیچ‌کدام از طرفین حاضر به توافق و یا قبول پیشنهاد همدیگر نشوند. در این صورت مکانیزم بازار از هم پاشیده می‌شود و هیچ معامله‌ای در بازار صورت نمی‌گیرد (قره‌باغیان و پژویان، ۱۳۹۲، ص. ۳۲۷). این حالت می‌تواند هم در بازار عوامل تولیدی (نهاد) و هم بازار محصول (کالا و خدمات) بروز کند.

انحصار دو طرفه در بازار کالا؛ مربوط به وضعیتی است که در بازار، یک تولید کننده به صورت انحصاری کالایی را به فروش برساند و بنگاه دیگری همان کالا را از انحصارگر فروش به صورت انحصاری خریداری نماید. چون طرفین معامله انحصارگرند، قدرت انحصاری دو انحصارگر خرید و فروش در تقابل با یکدیگر قرار گرفته و مقدار فروش و قیمت کالا بسته به قدرت چانه زنی هر یک از طرفین متفاوت خواهد بود. برای توضیح بیشتر نمودار زیر در نظر بگیرید:



اگر قدرت انحصاری انحصارگر فروش حاکم باشد و خریدار را مجبور کند تا قیمتی که خودش تعیین می‌کند را قبول کند. انحصارگر فروش برای حداکثر سازی سود خود درآمد نهایی خود (MR) را با هزینه نهایی خود (S) برابر

انحصار دو طرفه

معین خواهد کرد و این حداکثر قیمت بر روی تابع تقاضای نهاده است (فرجی دیزجی، ۱۳۸۹، ص. ۴۸۵ و قره‌باغیان و پژویان، ۱۳۹۲، ص. ۳۳۰). بدیهی است که تابع تقاضا برای نهاده همان تابع درآمد نهایی تولید نهاده خواهد بود. بنابراین انحصارگر فروش قیمت را بر اساس درآمد نهایی تولید تعیین خواهد کرد.

در نهایت قیمت و مقدار تعادلی، بستگی به قدرت چانه زنی هر یک از طرفین خواهد داشت. در اینجا نیز اگر دو انحصارگر به جای مقابله با یکدیگر سود مشترکشان را حداکثر نمایند، نقطه تعادل E بوده و قیمت و مقدار تعادلی برابر با x_1^* و r_1^* خواهند بود. این تعادل همان تعادل بازار رقابتی است چرا که منفعت نهایی نهاده برای تولید کننده برابر با هزینه نهایی تولید نهاده می‌شود. به عبارت دیگر عرضه نهاده (حداقل قیمتی که عرضه کننده نهاده حاضر به عرضه نهاده است.) برابر با تقاضای نهاده (حداکثر قیمتی که تقاضا کننده نهاده حاضر به پرداخت بابت خرید نهاده است.) می‌شود. تحت این شرایط بهینه پارتو نیز برقرار شده و رفاه اجتماعی حداکثر خواهد شد.

کتابشناسی

ابونوری، عباسعلی (۱۳۸۸). اقتصاد خرد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. تهران.

شاگری، عباس (۱۳۸۶). اقتصاد خرد ۲ نظریه‌ها و کاربردها. نشر نی، تهران.

فرجی دیزجی، سجاد (۱۳۸۹). تئوری اقتصاد خرد. دانشگاه علوم اقتصادی، تهران.

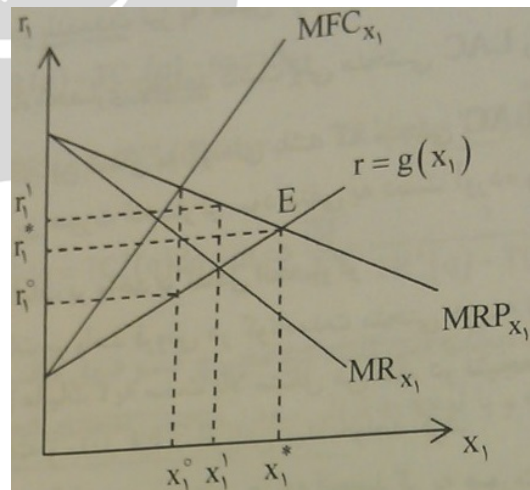
هندرسن، م. جیمز و کوانت، ا. ریچارد (۱۹۲۹). تئوری اقتصاد خرد: رهیافت ریاضی. ترجمه مرتضی قرباغیان و جمشید پژویان (۱۳۹۲).

تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

محسن نظری

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

خرید بر بازار تسلط پیدا کند، مقداری را خریداری خواهد کرد که درآمد نهایی تولید (MRPx1) برابر با هزینه نهایی استخدام نهاده (MFCx1) باشد و مقدار x_1^0 را با قیمت r_1^0 خریداری خواهد نمود. زیرا آن مقدار از خرید برای بنگاه انحصاری خرید در بازار نهاده قابل توجیه است که سودش را حداکثر کند. مقدار خریدی که این شرط را تامین می‌کند بدیهی است که خرید تا جایی است که درآمد نهایی تولید آن مساوی با هزینه نهایی استخدام نهاده باشد. از آنجایی که انحصارگر خرید مسلط بر انحصار فروش است، لذا قیمتی برای نهاده خواهد پرداخت که عرضه کننده نهاده حداقل قیمتی که راضی به دریافت در مقابل ارائه نهاده است. حداقل قیمتی که عرضه کننده حاضر است که در ازای نهاده دریافت کند، همان منحنی هزینه نهایی تولید نهاده است.



اما اگر انحصارگر فروش بر بازار مسلط باشد. آنگاه انحصارگر فروش تمایل دارد مقدار x_1^1 را با قیمت r_1^1 به فروش برساند، چون انحصارگر فروش سعی دارد سودش را حداکثر کند، لذا مقداری خواهد فروخت که درآمد نهایی برابر با هزینه نهایی باشد. از آنجایی که انحصارگر فروش خریدار را مجبور به قبول قیمت پیشنهادی‌اش می‌کند، لذا حداکثر قیمتی که خریدار حاضر به پرداخت می‌باشد را